

استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای از منظر حق بر توسعه برای جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر بازنمایی آن در رسانه‌ها و اندیشکده‌های آمریکایی)^۱

اکبر معصومی تبار^۲، حسین فروغی‌نیا^۳، علی بابایی مهر^۴

چکیده

فناوری هسته‌ای، در کنار کاربردهای نظامی و بازدارنده خود، دارای قابلیت استفاده صلح‌آمیز برای حق بر توسعه کشورها است و این امکان در سال‌های متمادی، کانون توجه بسیاری از حقوق‌دانان بوده است. این مقاله، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و بهره‌گیری از آنچه که در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب یافته، درصدد پاسخگویی به این سؤال است که استفاده کشورها، از جمله ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در راستای «حق بر توسعه» چگونه با موازین حقوق بین‌الملل، قابل ارزیابی است؟ در پاسخ به این سؤال، این فرضیه مطرح می‌شود مادامی که یک قاعده مسلم حقوق بین‌الملل، حق بر توسعه فناوری و دانش صلح‌آمیز هسته‌ای را از دولت‌ها سلب نکرده باشد، توسعه در کلیت آن از جمله در حوزه فناوری هسته‌ای نه تنها ممنوع نبوده، بلکه می‌تواند در راستای «حق بر توسعه» و حقوق بشر و نیز به موجب حقوق بین‌الملل عام مجاز باشد. رسانه‌های برون‌مرزی نیز می‌توانند این موضوع را به یک مطالبه جهانی، خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران از نهادهای بین‌المللی، قدرت‌های بزرگ و صاحبان باشگاه هسته‌ای در جامعه بین‌المللی و جنبش عدم‌تعهد (نم) تبدیل نمایند.

واژه‌های کلیدی: انرژی هسته‌ای، حق بر توسعه، حقوق بشر، ان.پی.تی، رسانه برون‌مرزی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتر به نویسندگی نویسنده اول، راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

^۲ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر، مازندران، ایران.

omnamahaguruji@yahoo.com

^۳ استادیار حقوق بین‌الملل، مؤسسه آموزش عالی فروردین قائم‌شهر، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).

hforoughiniya57@yahoo.com

^۴ استادیار حقوق عمومی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، مازندران، ایران.

gatbabaee@yahoo.com



مقدمه

با رو به پایان بودن انرژی‌های فسیلی، بسیاری از کشورها در پی انرژی‌های جایگزین برای آن هستند که انرژی هسته‌ای یکی از جایگزین‌های مطرح در این زمینه است. بر همین مبنای افزایش تقاضا برای استفاده از انرژی هسته‌ای و احتمال گسترش سلاح‌های هسته‌ای، نوعی تناقض را برای انتقال فناوری هسته‌ای به کشورهای در حال توسعه به وجود آورده و موجب طرح بحث‌های مختلفی در حقوق بین‌الملل شده است (منتظری‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۹). افزون بر این، توسعه کشورها مستلزم استفاده از ابزارها و سیاست‌هایی است که از مهم‌ترین آنها، ثبات منابع انرژی و سیاست‌های حوزه انرژی است. به‌نحوی که توسعه در تمامی شکل‌های آن نیاز به انرژی دارد و حتی اقتصادهای مدرن و توسعه‌یافته به عرضه کافی و قابل اتکای انرژی وابسته‌اند؛ چرا که شاخص اصلی برای توسعه اقتصادی، صنعتی شدن است و انرژی امکان صنعتی شدن و در ادامه، پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌سازد (میرزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸). همچنین رابطه مستقیمی بین سطح توسعه، حقوق بشر و حوزه انرژی وجود دارد؛ کشورهای توسعه یافته ضمن اینکه دسترسی بالایی به انرژی و کاربردهای متنوع آن دارند، از سیاست‌های پیشرفته اتخاذ تدابیر کنترلی در حوزه انرژی خصوصاً فناوری هسته‌ای به شکل‌های گوناگون نیز برخوردارند. برعکس، کشورهای در حال توسعه علی‌رغم داشتن منابع زیر زمینی و مواد خام با فقر انرژی مواجه هستند و افزون بر سیاست‌های نامطلوب و ناکارآمد در حوزه انرژی در بعضی از این کشورها، با برخی موانع و محدودیت‌هایی در جامعه بین‌المللی به واسطه تفاسیر دوگانه دولتها از حق توسعه دانش، اطلاعات و فناوری مواجه‌اند. بنابراین، چگونگی استفاده از منابع و سیاست‌های انرژی و نیز تغییر مواضع و نگرش دولت‌های دارای فناوری و دانش پیشرفته هسته‌ای، به سمت همکاری و مبادله علوم، دانش و فناوری مذکور برای مقاصد صلح‌آمیز، گام مهمی برای دستیابی به توسعه برای کشورهای در حال توسعه از جمله جمهوری اسلامی ایران است (سلیمی‌ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۰۶).

با درک این وضعیت، با توجه به اینکه بهره‌مندی از انرژی هسته‌ای حقی عام و ذاتی است که کلیه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در راستای حق بر توسعه و حقوق بشر و نیز به‌موجب حقوق بین‌الملل عام از آن برخوردارند، سؤال‌های پژوهش را می‌توان اینگونه طرح کرد:

- استفاده کشورها، از جمله ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای در راستای حق توسعه چگونه با موازین حقوق بین‌الملل، قابل ارزیابی است؟

- رسانه‌های بین‌المللی، چه رویکردی را به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند؟

- در سطح بین‌المللی، چه راهکارهای حقوقی و رسانه‌ای برای به تصویر کشیدن و ابراز نمودن صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌توان ارائه کرد؟

لذا، در این جستار، ضمن تبیین مفهوم حق توسعه و تشریح آن به‌عنوان یکی از جلوه‌های حقوق بشر در زمینه حقوق بین‌الملل انرژی، به ارزیابی و تحلیل موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران به‌ویژه غنی‌سازی اورانیوم در راستای حق بر توسعه و حقوق بشر برای اهداف صلح‌آمیز پرداخته و در نهایت ضمن ارائه بازنمایی رسانه‌های بین‌المللی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران در پایان مقاله نیز به مواردی از پیشنهادهای رسانه‌ای اشاره خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در خصوص مباحث مربوط به انتقال و توسعه دانش هسته‌ای در زمینه استفاده صلح‌آمیز، کتب، مقاله‌ها، اسناد و گزارش‌های متنوعی همراه با مباحث رسانه‌های بین‌المللی به‌رشته تحریر درآمده است که بخشی از این آثار مرتبط با موضوع نوشتار حاضر هم است.

ساعد (۱۳۸۳) در مقاله‌ای ضمن بررسی نگرش حقوق بین‌الملل موضوعه (حقوق بین‌الملل به معنای پوزیتیویستی آن) به توسعه صلح‌آمیز در ابعاد مختلف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری آن (زیرساخت، دانش یا فناوری)، به تقابل آن با ممنوعیت‌های تولید و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی پرداخته است. منتظری‌مقدم و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تلاش کردند با طرح این مسئله که انتقال فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای در حقوق بین‌الملل بر اساس کدام مبانی حقوقی اتفاق می‌افتد، به بررسی مقررات ان.پی.تی و مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زمینه انتقال فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای بپردازند. سلیمی‌ترکمانی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای ضمن تحلیل توسعه در دو بعد اقتصادی و انسانی به‌دنبال این است که در چهارچوب حقوق بین‌الملل انرژی، دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های در حال توسعه، چه سیاست‌هایی را در پیش گیرند که بتوانند هم‌زمان، هر دو بعد توسعه را محقق سازند. پشمی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای افزون بر نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زمینه مأموریت‌های پادمان، ایمنی و علوم و فنون هسته‌ای، بر این نکته تأکید دارند که در خصوص علم و فناوری و به خدمت گرفتن اتم برای صلح که از ماهیت ایجابی برخوردارند، نیازمند اقدامات آژانس در جهت تحقق حقوق بشر هستیم. هرچند عملکرد آژانس از تعارض رویکرد هنجاری و عملی آن در قبال حقوق بشر حکایت دارد. زنگی‌اهرمی و همکاران (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای، ضمن شناسایی و ارزیابی آثار سوء حقوق بشری تحریم‌های یکجانبه، راهکارهایی مؤثر و کارآمد برای کاهش آنها به‌عنوان بخش مهمی از تکلیف دولت‌های هدف و جامعه جهانی ارائه داده‌اند.





ایزدی و سقای‌بی‌ریا (۱۳۸۷) در مقاله‌ای ضمن بهره‌گیری از مفاهیم شرق‌شناسی ادوارد سعید^۱ (۱۹۸۷) و همچنین استفاده از دیدگاه تحلیلی ون دایک^۲ (۱۹۹۸) با عنوان مربع ایدئولوژیک، به تحلیل گفتمان انتقادی سرمقاله‌های سه روزنامه نیویورک‌تایمز،^۳ وال‌استریت ژورنال^۴ و واشنگتن‌پست درباره انرژی هسته‌ای ایران در فاصله سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۳ پرداخته‌اند. سلطانی و شاه‌قاسمی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای نحوه انعکاس مناقشات هسته‌ای ایران در مطبوعات آمریکا در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی را بررسی کردند. شمس (۱۳۸۵) به تحلیل گفتمان انتقادی موضوع هسته‌ای ایران در روزنامه‌های انگلیس و تصویر ارائه شده از انرژی هسته‌ای ایران در عناوین و متون تعدادی از روزنامه‌های این کشور با استفاده از الگوی ون دایک (۱۹۸۵) و همچنین نظریه گذرایی^۵ هیلدی (۱۹۸۵) پرداخته است. نتایج حاصله حاکی از آن است که روزنامه‌های انگلیسی ضمن استفاده از ساختارهای زبانی خاص، ارائه‌گر تصویری منفی از برنامه هسته‌ای ایران هستند.

با توجه به اینکه متون رسانه‌ای و مطبوعاتی علیرغم منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، بیش از همه انعکاس‌دهنده ایدئولوژی‌ها و دیدگاه‌ها در قالب استفاده خاص از ساختارهای زبانی هستند، بازنمایی این دیدگاه‌ها که عموماً به‌صورت نهفته در این رسانه‌ها وجود دارد، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران در راستای حق توسعه صورت گرفته، به‌صورت هم‌زمان به بررسی این موضوع افزون بر استناد به منابع کتابخانه‌ای در رسانه‌های بین‌المللی و بازتابی که از این منظر داشته است، پرداخته نشده است و از این جهت این پژوهش می‌تواند در نوع خود بدیع تلقی شود.

ادبیات نظری

مفهوم حق بر توسعه^۶ نخستین بار از سوی حقوق‌دان سنگالی «کبا ام بای»^۷ در سال ۱۹۷۲ در سخنرانی افتتاحیه آموزشی موسسه بین‌المللی حقوق بشر درباره حق توسعه مطرح شد. او حق بر توسعه را به‌عنوان یک مطالبه کشورهای در حال توسعه قالب‌بندی کرد، که مستلزم تعهدات

1. Edward Said

2. Van Dijk

3. The New York Times

4. The Wall Street Journal

5. Transitivity

6. the Right to Development

7. Keba. M. bay



کشورهای توسعه‌یافته برای همکاری در سطح بین‌المللی است. وی به دنبال این بود تا زبان حقوق را به صداهای جهان سوم که در حال شکل‌بخشیدن به اصول و تجویزات جهان‌شمول برای اقتصاد جهانی بودند، اضافه کند (Sengupta & Archana, 2005: 61).

به‌لحاظ پویای تاریخی نیز، در پس موج استعمارزدایی دهه ۱۹۶۰، مفهوم حق بر توسعه، به‌عنوان یک «حق جمعی»^۱ از سوی کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان بخشی از دستاوردهای سیاسی خود از استعمارگران و پایان دادن به سیاست‌های استعماری پایدار، سلطه اقتصادی و استثمار مورد استفاده قرار گرفت که همراه با دو مطالبه مهم در سطح جهانی بود: اول، ایجاد یک نظم اقتصادی بین‌المللی جدید که منجر به رشد اقتصادی بیشتر کشورهای در حال توسعه شود و دوم، کنترل کامل مردم بر منابع و ثروت طبیعی خود. بر این اساس، حق بر توسعه برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد.^۲ به دنبال آن، اعلامیه حق بر توسعه^۳ در سال ۱۹۸۶ توسط مجمع عمومی با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید^۴ و در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳^۵ به‌عنوان یک حق بشری جهان‌شمول و غیرقابل تفکیک و یک بخش جدایی‌ناپذیر از حقوق بشر اساسی به رسمیت شناخته شد. همچنین با گذشت بیش از سی سال از تصویب اعلامیه حق بر توسعه، اجلاس‌های متعدد گروه کاری حق بر توسعه^۶ و مصوبات متعددی از کنفرانس‌های مهم جهانی به این موضوع پرداخته که منجر به تقویت روند هنجارسازی و قاعده‌سازی در این زمینه شد (حاجی‌یوسفی و غائبی، ۱۳۹۶: ۸).

در عین حال، مساله توسعه، به دو صورت مختلف در ادبیات حقوق بین‌الملل مطرح نظر است. گاه حق توسعه به منزله یکی از حقوق اولیه دولت‌ها و نتایج طبیعی حاکمیت آنها موضوعیت می‌یابد و گاه حق بر توسعه به منزله یکی از حقوق اساسی بشری و مصداقی از نسل سوم این حقوق (حقوق همبستگی)^۷ مطرح می‌شود. در این صورت، هر یک از آنها چارچوب و اصول خاصی داشته و آثار حقوقی متفاوتی ایجاد می‌کنند (ساعد، ۱۳۸۳: ۴۶).

1. Collective Right

2. UN Commission on Human Rights. Resolution 4(XXXIII), 21 February 1977

3. Declaration on The Right to Development

4. GA Res. 41/128, 4December 1986

5. 1993 Vienna World Conference on Human Rights

6. International Working Group on Right to Development

7. Solidarity Rights



در حالی که حق توسعه دربرگیرنده تمایلات و خواست‌های کشورهای در حال توسعه در مقابل توسعه یافته‌ها است که به موجب آن، کشورهای توسعه‌یافته متعهد به تدارک امکانات و بسترهای لازم برای توسعه کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه هستند (Oduwole, 2014: 3). در این گفتمان از توسعه که محور مباحث حقوق بین‌الملل اقتصادی است، توسعه معادل حق توسعه اقتصادی است و می‌تواند به‌عنوان حق این کشورها، نه بر ثروتمند شدن، بلکه دست کم به خروج از شرایط فقر عمومی قلمداد شود (Ngosso, 2013: 5). بنابراین، در قالب حق توسعه، کشورهای در حال توسعه، «صاحب حق» و کشورهای توسعه‌یافته، «واجد تعهد» هستند. افزون بر این، در حقوق بین‌الملل، توسعه می‌تواند در قالب «حق بر توسعه» نیز مطرح باشد که در اینجا صاحبان حق، ابناء بشری و صاحبان تکلیف دولت‌ها هستند و این حق به‌منزله یکی از حقوق اساسی بشری و مصداقی از نسل سوم این حقوق (حقوق همبستگی) مطرح می‌شود و با محور قرار دادن انسان در رشد اقتصادی تأکید دارد که توسعه همانند حق فرد در مقابل دولت متبوعش است و حتی گسترده‌تر از آن همانند استیضاح دولت‌ها از یکدیگر است (بیگ‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۵۷). بنابراین، در پرتو برداشت انسانی از مفهوم توسعه، دولت‌ها باید بتوانند زمینه‌های توسعه افراد انسانی را در ابعاد مختلف ایجاد نمایند.

۱. حق بر توسعه و حقوق بشر

هر چند درباره حق بر توسعه همچون دیگر مصادیق حقوق همبستگی یا به اصطلاح نسل سوم از حقوق بشر تردیدهایی وجود دارد (انصاری، ۱۳۹۱: ۱۷۷)، اما حق بر توسعه جزئی از حقوق بشر و یک حق اساسی است که ضامن آزادی و پیشرفت، عدالت و خلاقیت انسان‌ها است (مولایی، ۱۳۸۱: ۵۴). در مورد حق بر توسعه، همواره تحلیل دوگانه‌ای مبنی بر فردی یا جمعی بودن این حق مطرح بوده که عده‌ای به این دلیل که این حق به حقوق بشر مربوط است، آن را یک حق فردی دانسته و عده دیگری حق بر توسعه را در پیوند با توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معنی کرده‌اند و چون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان کرده است که حق بر توسعه، حق ملت است، آن را حقی جمعی دانسته‌اند. در این میان، از آنجا که روابط جدایی‌ناپذیر میان حقوق فردی و جمعی در فهم رویکرد حقوق بشری به توسعه مفید است، بهتر است آن را هم حقی فردی و هم حقی جمعی در نظر بگیریم (Sengupta, 2000: 12). پس حق توسعه می‌تواند به‌عنوان یکی از حقوق اولیه دولت‌ها، موضوعیت یابد و حق بر توسعه نیز می‌تواند

به‌عنوان یکی از حقوق اساسی بشر، مصداقی از نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی) باشد (ساعد، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

افزون بر این، مرتبط ساختن حقوق بشر و توسعه در سیاست‌گذاری و مباحث نظری از طریق دو روش مهم انجام گرفته است. اول، روش حق‌محور توسعه تأکید می‌کند که حقوق بشر در توسعه پایدار انسانی ادغام شود. این تعریف از توسعه در زمینه روندها و مشارکت در گفت‌وگو جهانی در زمینه توسعه پرنفوذ شده است. نقطه مرکزی این رهیافت به توسعه چیزی است که به رهیافت حقوق بشری در کمک‌های توسعه‌ای مشهور شده است (Okafor, 1995: 870) و خواستار قاعده‌مند کردن همکاری‌های توسعه بین‌المللی و کمک‌های توسعه رسمی از طریق چارچوب‌های توافق شده قواعد حقوق بشر بین‌المللی است (Frankovits & Patric, 1998). چنین چارچوبی ارائه کمک‌های توسعه‌ای را بر اساس اولویت‌هایی که باید مورد توجه قرار گیرند، قاعده‌مند می‌کند که شامل تعهدات همزمان کمک‌کننده و روندهایی که برای ارزیابی کمک‌های توسعه‌ای لازم است، می‌باشد (Marks, 2004: 27-28).

دومین رهیافت، حق بر توسعه را ذاتاً یک حق بشری می‌داند که ناشی از تلقی یک مفهوم جامع از حقوق بشر به‌عنوان مجموعه‌ای از حقوق مرتبط با هم و تفکیک‌ناپذیر است. این رهیافت باور دارد که توسعه عواقب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته و این حقوق در هیچ حوزه‌ای به نحو کامل محقق نمی‌شود، مگر اینکه هم زمان در سایر حوزه‌ها محقق شده باشد. در واقع این کشورها و مردم می‌توانند به‌عنوان یک حق بشری نیز علیه کشورهای دیگر یا جامعه بین‌المللی مطالبه توسعه داشته باشند که به‌نوبه خود یک تغییر گفتمانی^۱ در حقوق بشر ارتدوکس و نشانگر یک گرایش تساوی‌طلب^۲ در نظام حقوق بشر بین‌المللی به‌حساب می‌آید. لذا، اعلامیه حق توسعه را به‌مثابه فشار برای وارد کردن یک دستور کار مشخص حقوق جمعی غیرغربی در نظام حقوق بشر بین‌المللی می‌دانند.

با وجود این، حق بر توسعه یکی از انواع حقوق اساسی ملت‌ها و دولت‌هاست که اسناد حقوق بشری و معاهدات بین‌المللی آن را به‌عنوان حق ذاتی تمامی انسان‌ها برای تسهیم عادلانه اموال و خدمات می‌دانند (مولایی، ۱۳۸۱: ۵۴).^۳ مقدمه منشور سازمان ملل متحد «حق بر

1. Paradigm Shift.

2. Egalitarian Orientation.

۳. در این خصوص پروفسور محمد بجاوی، رئیس اسبق دیوان بین‌المللی دادگستری بیان می‌کند: «حق بر توسعه اثر طبیعی حق تعیین سرنوشت است که موجب همبستگی بین‌المللی می‌شود و پیوستگی دولت‌ها را معنا می‌بخشد». به عقیده او به دلیل



توسعه» دولت‌ها را «برای پیشرفت اجتماعی و ارتقای استانداردهای بهتر زندگی بشر» در قالب «حقوق بنیادین بشر» به رسمیت می‌شناسد (مقدمه منشور ملل متحد). به‌موجب بند ۳ ماده ۱ منشور، دولت‌های جهان متعهد شده‌اند در حل مسائل مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا به‌طور کلی توسعه، با یکدیگر همکاری کنند و نیز در ماده ۵۵ منشور صراحتاً به پیشرفت و «توسعه» اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان یکی از مواردی که ملل متحد باید آن را بهبود بخشد، اشاره دارد. همچنین بند یک ماده ۲۲ منشور آفریقایی حقوق بشر «حق توسعه» را یک حق فردی و جمعی می‌داند.^۱ این حق، در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و اعلامیه حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها (۱۹۷۴) با اجماع پذیرفته شده که مبنای مطالبه این حق را می‌توان از اسناد مبنایی حقوق بشر برداشت کرد که سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها به‌عنوان تابعان حقوق بین‌الملل ملزم به فراهم آوردن لوازم تحقق این حق هستند (زنگی‌اهرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۳-۵۲). در عین حال، اعلامیه وین و برنامه عمل بیست‌وپنجم ژوئن ۱۹۹۳ اعلام کرده است، حق بر توسعه به‌مثابه «حقی جهانی و جدانشدنی حقوق اساسی بشر» تلقی می‌شود (قائدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۳۴).

۱-۱. تحقق حق بر توسعه با دستیابی به حقوق انرژی

در شرایط فعلی جامعه بین‌المللی، مؤلفه‌های اصلی قدرت ملی یک کشور را چهار مقوله قدرت علمی-فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی تعیین می‌کنند. هر چند در خصوص نسبت ارجحیت هر یک از این قدرت‌های چهارگانه بحث‌های مختلفی وجود دارد، اما بدون شک این چهار مقوله با هم تعامل تنگاتنگ داشته و بر یکدیگر تأثیرگذار هستند. رهیافت‌های علمی و پژوهشی در زمینه انرژی و دسترسی به فناوری‌های نوین انرژی، به‌ویژه انرژی هسته‌ای، از جمله موارد مهم و تأثیرگذاری هستند که در ارتقاء هر یک از چهار مقوله مزبور ایفای نقش می‌کنند. تأثیر و جایگاه انرژی در تأمین رفاه و پیشرفت زندگی بشر غیر قابل اجتناب است و داشتن منابع مختلف تأمین انرژی و استفاده بهینه از آنها جزء رویکرد اصلی دولت‌ها جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشور متبوع‌شان است (قرشی و صدیق‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۶). بنابراین تأمین بسیاری از نیازهای اولیه بشری از طریق دسترسی به خدمات انرژی محقق می‌شود و فقدان دسترسی به خدمات

آن که حق حاکمیت دولت‌ها و حق تعیین سرنوشت جزو قواعد آمره حقوق بین‌الملل هستند، حق بر توسعه که حاصل این قواعد است نیز از وصف آمره برخوردار است (Bedjaoui, 1991: 1250).

¹. The African Charter on Human and People Rights.



مدرن انرژی، مانعی جدی برای تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی است. در این میان، مقوله انرژی ارتباط تنگاتنگی با توسعه دارد؛ چرا که انرژی امکان تحقق توسعه را فراهم می‌کند و توسعه از طریق استفاده هرچه بیشتر از انرژی ممکن می‌شود (عبدلی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۰) و پیش‌شرط تحقق بسیاری از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دسترسی به انرژی است (Tully, 2006: 547). دسترسی به خدمات انرژی، ارتباط مستقیمی با کاهش فقر عمومی نیز دارد (Bradbrook, 2006: 1). پس، نمی‌توان از جایگاه بلند حقوق انرژی در دستیابی به توسعه غافل شد.

در نهایت اینکه، امروزه تأثیر فناوری هسته‌ای بر افزایش دانش بشری و نقش آن در رفاه بشر تردیدناپذیر است و می‌تواند به‌عنوان یک عنصر اساسی و مبنای ضروری برای توسعه پایدار به‌شمار آید. پس پیوند میان فناوری و توسعه انکارناپذیر است و کشورهایی می‌توانند در مسیر توسعه به موفقیت دست پیدا کنند که توانسته باشند در حوزه فناوری به پیشرفت‌های چشمگیری دست پیدا کنند. بر این اساس، انتقال فناوری لازمه دستیابی به فناوری‌های نوین است که از رهگذر آن، رسیدن به توسعه پایدار امکان‌پذیر می‌شود. در همین حال، مسئله انرژی نیز از جنبه‌های جدایی‌ناپذیر توسعه است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت، کشوری که بتواند در تولید انرژی موفق باشد، در عرصه توسعه نیز موفق خواهد بود (Maiga, 2007: 267). در یک نگاه کلان می‌توان گفت، توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن منابع پایدار انرژی امکان‌پذیر نیست و از آنجا که سوخت‌های فسیلی، افزون بر تأثیرات ویرانگر زیست‌محیطی، در آینده‌ای نه چندان دور به پایان خواهد رسید، انرژی هسته‌ای برای بسیاری از کشورها، به‌عنوان یک گزینه جایگزین سوخت‌های فسیلی و استفاده از آن در راستای حق بر توسعه در سطح جهانی مطرح است؛ بنابراین، همه کشورها باید بتوانند در راستای استفاده از حق بر توسعه خود از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده کنند.

۲-۱. چالش کشورها در زمینه انرژی در راستای دستیابی به حق بر توسعه

انرژی نه تنها یکی از مهم‌ترین مسائل کلیدی توسعه اقتصادی در تجارت بین‌المللی، بلکه عنصر اصلی توسعه پایدار و تغییرات اقلیمی است (Walde, 2002: 121). انرژی هسته‌ای یکی از انرژی‌های موجود در جهان مانند انرژی بادی، آبی، گاز و نفت و .. است، اما در قیاس با آنها از انرژی‌های پایان‌ناپذیر محسوب می‌شود (قاسمی، مؤیدیان، ۱۳۹۹: ۱۲۳). در این رابطه توسعه فناوری هسته‌ای می‌تواند به‌عنوان یکی از ابعاد مهم انرژی نقش مهمی در رشد اقتصاد و حمایت



از توسعه پایدار^۱ ایفا کند. طی سال ۲۰۱۵، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز کشورهای عضو را تشویق کرد تا از علم و فناوری هسته‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه خود و حل و فصل بسیاری از چالش‌های جهانی از برطرف کردن نیازهای انرژی در حال رشد و حفاظت از محیط زیست تا بهبود امنیت قضایی و سلامت انسان، به شیوه‌ای پایدار استفاده کنند (IAEA Annual Report, 2015:1). دگرگونی‌های ژرفی که در قرن حاضر در نحوه زندگی انسان رخ داده است و همچنین فناوری‌های نوین همچون اطلاعات، ارتباطات، بیوفناوری، نانو فناوری و... که به تازگی عرصه گسترده‌ای را در علوم و فنون به‌خود اختصاص داده‌اند، نه تنها از اهمیت و نقش دیرین انرژی و فناوری‌های مرتبط نکاسته‌اند بلکه چشم‌انداز کنونی نشان می‌دهد که این مقوله در آینده نیز واجد اهمیت فوق‌العاده خواهد بود (قرشی و صدیق‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۷).

در شرایط فعلی، اکثر کشورهای جهان خصوصاً کشورهای اروپایی با چالش عمده در زمینه سیاست انرژی مواجه هستند. واقعیت این است که مصرف انرژی در ایران نیز در سال‌های گذشته بیش چند برابر شده است. نتایج بررسی‌های دهه ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که بیشترین ظرفیت کاهش تقاضای انرژی مربوط به گاز طبیعی و بنزین به ترتیب به سهمیه‌های ۴۲ و ۳۹ درصد از ظرفیت کل می‌باشد و پس از آن بخش برق ظرفیت قابل توجهی دارد. بیشترین ظرفیت مدیریت تقاضای گاز طبیعی مربوط به بخش‌های صنعت، نیروگاهی و خانگی است که به ترتیب از ظرفیت معادل با ۱۹، ۱۶ و ۹ میلیارد متر مکعب در سال ۱۴۲۰ برخوردارند. ظرفیت کاهش تقاضای بنزین مربوط به بخش حمل و نقل است که در سال ۱۴۲۰ به ۵۱ میلیون متر مکعب بالغ می‌گردد. همچنین در بخش برق از کل ۱۲۸ تراوا ساعت ظرفیت در انتهای دوره، ۳۸ درصد آن به صنعت برق اختصاص دارد. ضمن اینکه بخش‌های خدمات و خانگی هر کدام با ۲۲ درصد در رتبه بعدی قرار دارند. همچنین روزانه بیش از ۵ میلیون بشکه نفت مصرف داخلی انرژی در کشور را تشکیل می‌دهد و فاصله کم مصرفی و پر مصرفی گاز در کشور ۲۱ برابر است (سلیمان و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۱). در هر حال، میزان مصرف انرژی در جهان در هر دهه به دو برابر افزایش یافته است و برآوردها حاکی از آن است که مصرف جهانی انرژی تا سال ۲۰۳۵ میلادی، بیش از ۵۸ درصد افزایش خواهد یافت و جالب توجه اینکه در این چشم‌انداز، بیشترین میزان مصرف انرژی به کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد (قرشی و صدیق‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۸). چنین وضعیتی بر میزان ذخایر انواع حامل‌های انرژی در ایران نیز حاکم است. با توجه به این

1. Sustainable Development Goals (SDG)



واقعیت‌ها، تحقیقات گسترده در مورد انرژی و منابع جایگزین مناسب ضروری است. لذا، در حال حاضر در جهان، تقاضا برای انرژی هسته‌ای، به سبب افزایش جهانی مصرف انرژی در حال افزایش است و در عین حال، گسترش تأسیسات هسته‌ای در سراسر جهان، در فقدان نظارت جدی، احتمال گسترش سلاح‌های هسته‌ای را افزایش می‌دهند. این مسئله، موجب نوعی تناقض در زمینه انتقال فناوری هسته‌ای به کشورهای در حال توسعه نیز شده است.

۳-۱. توسعه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای در راستای حق بر توسعه

بررسی‌های محققان نشان می‌دهد که هدف از پیوستن کشورهای در حال توسعه به کنوانسیون‌های بین‌المللی، خصوصاً معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی)^۱ بهره‌مندی از حقوقی است که این معاهده برای توسعه، تحقیقات، تولید و بهره‌مندی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در اختیار آنها می‌گذارد. همچنین، دولت‌های توسعه‌یافته را به ایجاد زمینه مساعد برای مبادله اطلاعات و انتقال فناوری‌های هسته‌ای ملزم می‌کند و قدرت‌های هسته‌ای را مکلف کرده است که با توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه، آنها را در استفاده صلح‌آمیز از آن یاری رسانند (حسن‌بیگی و حسینی، ۱۳۹۳: ۸۷).

تعهد مربوط به انتقال فناوری که در پاراگراف دوم ماده ۴ معاهده ان. پی. تی آمده است در واقع، در مقابل تکالیف و محدودیت‌هایی است که در چارچوب ماده ۱ و ۲ معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان. پی. تی) بر دوش دولت‌های در حال توسعه گذاشته شده و تنها تعهدی است که قدرت‌های هسته‌ای متقبل شده‌اند. بر این مبنا کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌توانند این حق را برای خود محفوظ دارند که «انتقال فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز» را از قدرت‌های هسته‌ای مطالبه نمایند. اما در عمل استیفای این حق همواره با مناقشه مواجه بوده است، زیرا برداشتی که قدرت‌های هسته‌ای از مواد ۱ تا ۷ این معاهده دارند این است که جهت‌گیری معاهده به نفع منع گسترش تسلیحات اتمی است و حقوق مورد ادعای کشورهای در حال توسعه مانند ایران (در پاراگراف دوم ماده ۴) انتقال فناوری هسته‌ای را مجاز شمرده که تنها در سایه تکالیف منع گسترش تسلیحات قابل حصول است (مولایی، ۱۳۷۶: ۷۴).

همچنین در معاهده ان. پی. تی تأکید شده است که دولت‌ها مکلف شده‌اند بر مبنای «حسن نیت» برای ایجاد تسهیلات برای دسترسی و برخورداری همه کشورها از انرژی هسته‌ای با

¹. Nuclear Non-Proliferation Treaty: NPT.



یکدیگر همکاری نمایند (ماده ۵ معاهده). در حقیقت، «کشورهای عضو حق ندارند به بهانه احتمال به کارگیری این فناوری برای اهداف نظامی یا راستی‌آزمایی، این حق را مخدوش کنند». زیرا این سوء برداشت با روح و مفاد معاهده در تعارض است. نادیده گرفتن حق غنی‌سازی، به‌عنوان یک «حق ذاتی» مندرج در معاهده که نقش محوری در برقراری تعادل حقوق و تکالیف دولت‌ها دارد؛ در واقع زیر سؤال بردن اعتبار کلی معاهده خواهد بود. به‌عبارت دیگر، آژانس و کشورهای مذاکره‌کننده نمی‌توانند به بهانه نظارت و راستی‌آزمایی، حق تهیه، تولید، و فراوری هسته‌ای، انتقال فناوری، توسعه و همکاری در زمینه چرخه سوخت را که با مقاصد صلح‌آمیز صورت می‌گیرد اسقاط کنند (Neame, 2010: 77).

افزون بر این، در «توافق‌نامه موقت ژنو راجع به برنامه هسته‌ای ایران»^۱ با نام رسمی «برنامه جامع اقدام مشترک»^۲ موضوع حق غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران یکی از موضوعات مورد مناقشه در خلال مذاکرات تدوین این موافقتنامه بود. در حالی که طرف ایرانی بر به‌رسمیت شناختن حق غنی‌سازی برای ایران در متن این توافقنامه اصرار داشت، طرف مقابل از پذیرش چنین حقی امتناع می‌کرد (بابایی، ۱۳۹۴: ۴۹). سرانجام این موضوع در متن توافقنامه مسکوت ماند. این وضعیت موجب شد تا بلافاصله پس از توافق، هر یک برداشت و تفسیر مورد نظر خود را از متن توافقنامه در قالب بیانیه اعلامی ابراز کنند، به طوری که از یک سو مقامات ایرانی از تثبیت حق غنی‌سازی ایران در توافقنامه ژنو سخن به میان می‌آوردند و در سوی دیگر وزیر امور خارجه آمریکا منکر وجود هرگونه حق غنی‌سازی به‌موجب توافقنامه ژنو شد (Aaron, 2013: 47).

پس منطقاً وقتی استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای مستلزم «ساخت و تولید» ابزاری است که این تجهیزات برای تولید انرژی نیازمند سوخت هستند، داشتن فرایند غنی‌سازی اورانیوم برای تهیه سوخت جزو بخش لاینفک از حقوق هسته‌ای محسوب می‌شود. دانیل جوینر در این خصوص می‌گوید: «اینکه غرب از ایران می‌خواهد فرایند غنی‌سازی اورانیوم خود را متوقف کند، در حقیقت زیرپا گذاشتن قواعد حقوق بین‌الملل است». وی درباره اختلاف حقوقی ایران و ۵+۱، درباره این موضوع که آیا «حق غنی‌سازی» دارد یا نه؟ می‌نویسد: «بر اساس معاهده ان پی تی، هر عضو معاهده حق دارد از طیف کاملی از استفاده‌های صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای برخوردار شود» (Joyner, 2012: 6).

1. Geneva Interim Agreement on the Iranian Nuclear Program

2. Joint Plan of Action



به‌این ترتیب، به‌نظر می‌رسد یکی از استدلال‌های کشورهای در حال توسعه در حوزه انتقال فناوری (جدا از تعهدات هسته‌ای) می‌تواند استناد آنها به حق بر توسعه باشد. به‌عبارت دیگر، این کشورها با این مبنا می‌توانند به حوزه‌های دیگر حقوق بین‌الملل، مانند حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بشر، استناد کنند. از این منظر، استدلال موجه و قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که بر اساس آن بتوان «تعهدات دولت‌های عضو» را بر «حقوق دولت‌های عضو» برتری داد، زیرا موضوع حق و تکلیف لازم و ملزوم یکدیگر هستند. طبق اصول کلی حقوقی، «اگر کسی نسبت به چیزی یا کسی تکلیفی داشته باشد، به تعیین «من علیه الحق» نسبت به صاحب تکلیف حقوقی نیز دارد (گرچی، ۱۳۷۲: ۱۲۴). لذا، مادامی که کشوری تحت نظارت بین‌المللی آژانس و پادمان باشد، فی‌نفسه دلیلی برای نگرانی از برنامه‌های غنی‌سازی که متناسب با نیازهای توسعه غیرنظامی است، وجود ندارد. در این رابطه هرگونه اقدامی که موجب تضعیف حق غنی‌سازی شود، نه تنها با رویه و عملکرد آژانس در برخورد با سایر کشورهای دارای چرخه غنی‌سازی (ژاپن، برزیل و کره جنوبی) مغایرت دارد، بلکه نوعی تردید در مورد کارایی و اثر بخشی سازوکار نظارتی آژانس به‌وجود خواهد آمد (حسن‌بیگی و حسینی، ۱۳۹۳: ۹۲).

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، «حق بر توسعه» و سایر حقوق در اسناد بین‌المللی نظیر منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مجمع عمومی مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین، به‌لحاظ فنی کاملاً واضح است که حق تولید و توسعه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز حق همگانی دولت‌های عضو معاهده، و دایر بر تمامی فرآیند منتهی به تحقق انرژی صلح‌آمیز است. در نتیجه، از مرحله شناسایی معدن، خرید و کسب اورانیوم طبیعی گرفته تا غنی‌سازی، ایجاد نیروگاه، داشتن دانش هسته‌ای بومی، و هر فعل و انفعالی که زمینه برخورداری این حق را فراهم سازد، بخشی از این حقوق محسوب می‌شود. در واقع در فناوری هسته‌ای در مراحل مختلف، از تحقیق و توسعه گرفته تا غنی‌سازی اورانیوم، به‌میزان و درجات مختلف تفاوتی میان اهداف صلح‌آمیز و نظامی وجود ندارد و بر حسب رویکرد کشورها، فرآورده نهایی یعنی اورانیوم غنی‌شده حاصل از تحقیق، توسعه و تولید تجاری می‌تواند مورد استفاده در نیروگاه‌های تولید برق و یا تولید سلاح‌های هسته‌ای به‌کار رود (Elbaredei, 1995: 16).



بازنمایی استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای از منظر حق بر توسعه در رسانه‌ها و اندیشکده‌های آمریکایی

رسانه‌ها منابع اطلاعاتی سریع و مفیدی برای تصمیمات سیاسی هستند. تلاش برای همسو کردن افکار عمومی بین‌المللی با اهداف و سیاست‌های کشورها از طریق پوشش رسانه‌ای، اهمیت خبر و شبکه‌های خبری بین‌المللی به‌ویژه تلویزیونی را افزایش می‌دهد. تبلیغات شبکه‌های خبری بین‌المللی در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، به‌گونه‌ای است که می‌تواند بر دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها در قبال ایران بسیار تأثیرگذار باشد. برای نمونه، امروزه تأثیر فناوری‌های ارتباطی با عنوان «تأثیر سی. ان. ان»^۱ تعریف می‌شود. این تأثیر، به لحاظ تحلیلی، تحت سه مقوله متمایز و مستقل از یکدیگر مورد بحث قرار می‌گیرد. این مقولات در عین حال که معرف انواع تأثیرگذاری سی. ان. ان هستند، «تأثیر سی. ان. ان» را به‌مثابه عامل شتاب‌زا، بازدارنده و برجسته‌ساز تعریف می‌کنند (Livingstone, 1997: 67).

شبکه‌های خبری مختلف برخی مواقع با تهدیدآمیز بودن لحن مطالب و نوع تهدید، چارچوب تعیین شده در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران (نظامی، مشکوک و تهدیدآمیز بودن)، با بازنمایی هدف ایران از پیگیری برنامه هسته‌ای (دسترسی به انرژی صلح‌آمیز یا تولید سلاح هسته‌ای و تهدید منافع جهانی) و اشاره مراجع حل پرونده هسته‌ای ایران، به‌نوعی در این رابطه تأثیر بسیاری بر دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها در جامعه بین‌المللی ایفا می‌کنند. در ادامه به چند نمونه از برجسته‌سازی و بازنمایی خبری رسانه‌ها و اندیشکده‌های بین‌المللی راجع به برنامه هسته‌ای ایران اشاره می‌شود.

شبکه سی. ان. ان^۱

شبکه خبری «سی. ان. ان» از ابتدا یکی از حامیان رسانه‌ای توافق هسته‌ای بود. حتی پس از ورود «دونالد ترامپ» به کاخ سفید و انتقاد شدید وی از این توافق، این شبکه خبری در نظرسنجی اعلام کرد که اکثر آمریکایی‌ها خواستار حفظ این توافق مهم هستند. طبق این نظرسنجی، دو سوم مردم آمریکا خواستار آن هستند تا ایالات متحده در این توافق چندجانبه باقی بماند. همچنین تنها سه تن از هر ده آمریکایی براین باور هستند که خطر ایران بسیار جدی

۱. CNN (Cable News Network)

است. افزون بر این از میان دموکرات‌ها ۸۰ درصد و از میان جمهوری خواهان ۴۸ درصد بر این عقیده هستند که ایالات متحده نباید از این توافق کنار بکشد (Struyk, 2017).

شبکه فاکس نیوز^۱

این شبکه در شش اکتبر ۲۰۱۱ با پخش برنامه‌ای با عنوان «تهدید جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران» سعی داشت برنامه هسته‌ای ایران را به‌عنوان یک تهدید فوری علیه منافع ایالات متحده معرفی کند. «مایکل توبین»^۲ خبرنگار آمریکایی، تهیه‌کننده این برنامه ادعا کرد که «ایران به راحتی می‌تواند بمب هسته‌ای بسازد» (Cort, 2011). در مارس ۲۰۱۰ شبکه «فاکس نیوز» در یک آیتم خبری چنین ادعا کرد که سازمان «سی. آی. ای» به این نتیجه رسیده است که ایران با وجود روبرو شدن با برخی از موانع فنی در حال کار برای ساخت بمب هسته‌ای است و «پنتاگون» نیز درباره نیت جمهوری اسلامی ایران نگران است. اما بعدها مشخص شد که نه تنها ادعای این شبکه نادرست است بلکه سازمان «سی. آی. ای» به نتیجه متضادی دست پیدا کرده است (Boyd-Barrett, 2014: 111). همچنین این شبکه که «باراک اوباما» را به‌عنوان یک رئیس‌جمهور ضدیهودی به تصویر کشید (McCormack, 2016) از وی برای تلاش به دستیابی به توافق هسته‌ای به شدت انتقاد می‌کرد. همچنین شبکه خبری فاکس نیوز به‌عنوان یک شبکه حامی رژیم صهیونیستی در بخش سیاست خارجی به نقل از بنی گانتس^۳ وزیر جنگ رژیم اسرائیل اظهار داشت که برای دور نگه داشتن ایران از مواد اولیه هسته‌ای باید اقداماتی انجام داد. ایران به انباشت دانش و تجربه برگشت‌ناپذیر در توسعه، تحقیق، تولید و بهره‌برداری از سانتریفیوژهای پیشرفته ادامه می‌دهد (Gantz, 2022).

فارین پالیسی^۴

فارین پالیسی در تلاش است تا تصویر واقع‌بینانه‌ای از برنامه هسته‌ای ایران ارائه کند. به‌طور مثال، زمانی که در اکتبر سال ۲۰۰۷، «محمد البرادعی» رئیس وقت آژانس «آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای» گفت که نگران لفاظی‌های ایالات متحده در قبال ایران است، «فارین پالیسی» احتمال واکنش نظامی ایالات متحده به برنامه هسته‌ای ایران را پایین ارزیابی کرد. در همان زمان

1. Fox News Channel
2. Michael Tobin
3. Benny Gantz
4. Foreign Policy



«فارین‌پالیسی» با انتشار نظرسنجی نشان داد که از دخالت نظامی در ایران حمایت اندکی خواهد شد» (Miskimmon & Others, 2014: 136). در همین زمینه این نشریه گزارش داد که «جامعه اطلاعاتی ایالات متحده امریکا گزارش سال ۲۰۰۷ «برآورد اطلاعات ملی» درباره قابلیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را به‌روز کرده است». در آن گزارش چنین ادعا شده بود که دولت جمهوری اسلامی ایران برنامه هسته‌ای خود را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده است (NTI, 2011).

پس از توافق هسته‌ای نیز «فارین‌پالیسی» از امضای این توافق پشتیبانی کرده است. این حمایت تا جایی پیش رفته بود که این نشریه برای راضی نگه داشتن اسرائیل، این توافق را نعمتی برای رژیم اسرائیل توصیف و چنین ادعا کرد که پس از امضای توافق، اسرائیل و منطقه امن‌تر شده است. این ادعا در مقاله‌ای تحت عنوان «توافق هسته‌ای ایران یک نعمت برای اسرائیل بوده است»^۱ نوشته «کارمی گیلون»^۲، افسر نظامی رژیم اسرائیل، مطرح شده بود. «گیلون» در مقاله خود اذعان کرد که «پس از گذشت دو سال، توافق هسته‌ای به‌موفقیت آشکاری دست پیدا کرده است» (Gillon, 2017).

فارین‌افرز^۳

مجله «فارین‌افرز» تا ۲۰۱۵ درباره برنامه هسته‌ای ایران بیش از ۸۰۰ گزارش و مقاله منتشر کرده است. صاحب‌نظرانی همچون «کنت والتز»^۴، «رابرت جرویس»^۵، «گیدئون رز»^۶ و «سوزان مالونی»^۷ درباره برنامه هسته‌ای ایران در این نشریه مقاله‌هایی را به‌رشته تحریر درآورده‌اند. پس از امضای برجام، «فارین‌افرز» در گزارشی دیدگاه‌های کارشناسان روابط بین‌الملل در ایالات متحده درباره اینکه «آیا کنگره باید توافق ایران را تایید کند؟» منتشر کرد. طبق این گزارش ۳۲ کارشناس کاملاً موافق و پنج کارشناس کاملاً مخالف بودند. «گراهام آلیسون»^۸ استاد دانشگاه هاروارد و رئیس «مرکز علوم و امور بین‌الملل بلفر»^۹، از این توافق پشتیبانی کامل و

1. The Iran Nuclear Deal Has Been a Blessing for Israel

2. Carmi Gillon

3. Foreign Affairs

4. Kenneth Waltz

5. Robert Jervis

6. Gideon Rose

7. Suzaanne Maloney

8. Graham Allison

9. Belfer Center for Science and International Affairs

چنین ادعا کرد که این توافق راه دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای را بسته است. «لارنس فریدمن»^۱ استاد دانشگاه «کینگز کالج لندن»^۲ و از موافقان توافق، چنین گفت که هیچ توافقی کامل نیست ولی هم اکنون به آن مرحله رسیده‌ایم (Foreign Affairs, 2015).

اندیشکده آمریکن اینترپرایز

بیشترین تمرکز گزارش‌های اندیشکده آمریکن اینترپرایز در سال ۲۰۲۰ بر بخش تحقیقاتی «خاورمیانه» با سهم ۷۵ درصدی است. این بخش تحقیقاتی، گزارش‌هایی درباره روابط رئیس‌جمهور آینده آمریکا با ایران در سال ۲۰۲۱ منتشر نموده است و تبعات بازگشت آمریکا به برجام و در نتیجه آشفته‌گی بازارهای نفت جهانی و همچنین توان دفاعی ایران را مورد بررسی قرار داده است. به گزارش این اندیشکده، که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ماه نوامبر ۲۰۲۰ منتشر شده بود، اندیشمندان این مرکز فعال در آمریکا اعلام نموده اند که رئیس‌جمهور کنونی آمریکا و رقیب او، هر دو توافق با ایران را در اولویت خود قرار داده اند. کارشناسان این اندیشکده معتقد بودند که خطر اصلی اشتیاق مشاوران بایدن به مذاکره با ایران نیست بلکه مسئله و مشکل اصلی اینجا است که دولت بایدن قادر به مقابله با برتری ایران در منطقه غرب آسیا نخواهد بود و نمی‌تواند با عواقب جدی قدرت گرفتن ایران در منطقه روبه‌رو شود (Pletka, 2020a).

بنیاد دفاع از دموکراسی^۳

مارک دابوویتز مدیر اجرایی بنیاد دفاع از دموکراسی و یکی از مشاورین دولت ترامپ در شورای امنیت ملی در اواخر سال ۲۰۱۷ با اعلام اینکه ترامپ نباید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای را تایید کند، اعلام کرد البته تحریم غیر برجامی که در دوره ترامپ وضع شد، شروع خوبی است اما ترامپ باید کارهای بیشتری انجام دهد. دولت باید با ارائه یک راهبرد جامع برای اصلاح توافق، کنگره را متقاعد کند تحریم‌های برجامی را برنگرداند و در عوض تحریم‌های دیگر وضع کند. اروپایی‌ها نیز در این راستا باید شرایطی را برای ایران ترسیم کنند که اگر ایران وارد این بازی نشود، تحت آن شرایط تحریم‌های اروپایی - آمریکایی بر می‌گردد. در غیر این صورت آنها باید شاهد خروج ترامپ از توافق با استفاده از قدرت عظیم مالی آمریکا برای وادار کردن بانک‌های

1. Lawrence Freedman

2. King's College London

3. Foundation for Defences of Democracies



امریکایی به انتخاب بین بازار ۱۹ تریلیون دلاری امریکا و بازار ۴۰۰ میلیون دلاری ایران باشند (Dubowitz, September 26, 2017).

مرکز مطالعاتی وودرو ویلسون^۱

آروین دیوید میلر^۲ و ریچارد اسکولوسکی^۳ از محققان «مرکز مطالعاتی وودرو ویلسون» در مقاله ای با عنوان «حرکت به جلو در قبال ایران؛ سیاستی برای دولت بعدی آمریکا»، در مجله فارین افرز، رویکرد همکاری و سازش با ایران را در خصوص مسائل هسته ای در چارچوب منافع آمریکا می دانند: «ایران مورد مناسبی برای مذاکره است، اما اختلاف داخلی بین کاخ سفید و کنگره انعطاف پذیری لازم در مذاکرات را با چالش مواجه کرده است.» از دیدگاه میلر استفاده امریکا از رویکرد قدرت در مواجهه با ایران غیر عادلانه و غیر ضروری است. واشنگتن باید بر منافع حیاتی امریکا متمرکز و همکاری با ایران باید در خدمت منافع آمریکا باشد (Miller & Sokolsky, 2016).

اندیشکده علوم و امور بین‌الملل بلفر^۴

با توجه به این که کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا در دوره پسابرجام تلاش می‌کردند با روندسازی‌های خود، روایت جدیدی از برجام را به نمایش بگذارند و لذا امیدوار به تغییراتی در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران بودند، چاک فریلیش^۵، عضو ارشد اندیشکده علوم و امور بین‌الملل بلفر هاروارد، در بخشی از گزارش شورای روابط خارجی با عنوان غرب آسیا پس از توافق هسته‌ای با ایران می‌گوید: «ایران پس از توافق هسته‌ای توسعه‌طلب شده و رژیم اسرائیل نمی‌تواند تا ابد سیاست عدم مداخله در سوریه را در پیش بگیرد» (Feilich, 2015).

اندیشکده بروکینگز^۶

این اندیشکده با تأیید اعمال اصل تحریم‌ها علیه ایران، اعلام کرد که «تحریم‌های اقتصادی باید در مرکز هر نوع تلاش آمریکا برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای قرار داشته

¹ . Woodrow Wilson International Center for Scholars

² . Aaron David Miller

³ . Richard Sokolsky

⁴ . Belfer Center for Science and International Affairs

⁵ . Freilich

⁶ . Brookings Institution

باشد. تحریم‌های اقتصادی دو کارکرد اساسی دارند، آنها هم می‌توانند رهبران ایران را برای انجام مذاکرات متقاعد سازند و هم کشورهایی که به ایران کمک می‌کنند را منزوی نمایند» (Einhorn & Richard, 2019).

در مجموع، از زمان اوج‌گیری انتقادات مجامع بین‌المللی از برنامه هسته‌ای ایران، تاکنون رسانه‌های جهانی به پیگیری و تحلیل لحظه‌به‌لحظه رویدادها در این رابطه پرداختند. به‌ویژه اینکه رسانه‌ها بر اتهامات مقاصد غیرصلح‌آمیز ایران در پیگیری فعالیت هسته‌ای تأکید کردند و حتی رسانه‌های غربی نه تنها حاوی گفتمان مسلط در طی سال‌های گذشته بودند، بلکه در نقش بازیگران امنیت‌ساز همسو با سیاست دولت متبوع خود تأثیر بسیاری بر فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تبدیل آن به یک وضعیت امنیتی داشته‌اند. برای نمونه، سرمقاله‌های برخی از روزنامه‌های غربی مانند واشنگتن‌پست، گاردین، وال‌استریت ژورنال و دیلی‌تلگراف در برجسته‌سازی و امنیتی‌ساختن نه تنها در استفاده و انتخاب واژگانی نظیر بمب، سلاح هسته‌ای، شک و تردید، حمله، تعلیق و توقف، تهدید تحریم و پنهان‌کاری، محدود نمی‌شود؛ بلکه ساختار جملات حاوی بار منفی هم موجب تشدید این روند می‌گردند. افزون بر این، مطالعه پژوهش‌های مختلف تحقیقاتی، گزارش‌های سالانه، گزارش‌های رسمی منتشر شده و مصاحبه‌های تحلیلگران این اندیشکده‌ها و مؤسسات، ما را به سه رویکرد کلی حاکم بر اندیشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی آمریکا در مواجهه با ایران رهنمون می‌سازد. رویکرد اول، از مخالفان جدی ایران در برنامه هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم و موافق برنامه‌های تشدید تحریم‌ها و حتی اقدامات نظامی هستند که برای نمونه می‌توان به اندیشکده بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها در کنار شورای روابط خارجی، بروکینگز، شورای اتلانتیک، بنیاد هریتیج، کارنگی و ... اشاره کرد. رویکرد دوم با رویکرد سازش که مبتنی بر برخورد نرم و مبتنی بر عدم‌خشونت در مواجهه با ایران و فعالیت‌های هسته‌ای است برای نمونه گزارش‌های مرکز مطالعاتی وودرو ویلسون، شورای ملی ایرانیان آمریکا، مؤسسه کیتو، مرکز پیشرفت آمریکا و پروژه سیاست خارجی آمریکا تا حدودی مؤید این رویکرد است. رویکرد سوم بیشتر رویکردی بی‌طرفانه را در گزارش‌های خود راجع به برنامه هسته‌ای ایران دارند می‌توان به برخی از این اندیشکده‌ها مثل اندیشکده کوئینسی اشاره کرد.

نکته حائز اهمیت اینکه هیچ‌کدام از این رسانه‌ها و اندیشکده‌ها از منظر حق بر توسعه، بر حقانیت و حقوق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اشاره نکرده‌اند.





نتیجه‌گیری

بر اساس رویکرد حاکمیت‌محور در نظم حقوقی بین‌المللی کنونی که نتیجه طبیعی دولت‌محوری روابط بین‌المللی علیرغم گسترش سازوکارها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای است، مادامی که حقوق بین‌الملل، اقدامی را برای بازیگران ممنوع نکرده است دولت‌ها در آن خصوص «مجاز» تلقی می‌شوند؛ بدون آنکه چنین جوازی نیازمند اثبات باشد. به عبارت دیگر در روابط دولت‌ها که سازندگان نخستین روابط بین‌المللی هستند، اصل اباحه یا جواز جاری است. تا پایان دهه ۱۹۶۰ و انعقاد معاهده عدم‌اشاعه، صرف داشتن و تولید سلاح هسته‌ای (و نه «کاربرد» آنها که یکی از ممنوعیت‌های قدیمی در حقوق درگیری‌های مسلحانه است) ممنوع نبوده است. معاهده عدم‌گسترش این ممنوعیت را برای بخش اعظمی از اعضای جامعه بین‌المللی دولت‌ها (یعنی دولت‌های فاقد سلاح هسته‌ای) ایجاد کرد. اما از آنجا که کاربرد انرژی هسته‌ای الزاماً با تولید سلاح هسته‌ای همراه و همزاد نیست، در کنار ممنوعیت‌های مذکور، حق فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

لذا، به رسمیت شناختن حقوق و تعهدات مندرج در معاهده ان. پی. تی از سوی ۱۹۰ کشور گویای این واقعیت است که حقوق هسته‌ای در تمام شقوق آن در شمول حقوق بنیادین کشورها در عرصه حقوق بین‌الملل است. این امر به این معنا است که قدرت‌های هسته‌ای و سازمان‌های بین‌المللی نمی‌توانند در شناسایی این حقوق میان کشورها تبعیض و تفکیک قائل شوند. جمهوری اسلامی ایران بیش از سه دهه است که تحقیقات متنوعی را در زمینه‌های مختلف علوم و فنون هسته‌ای انجام داده و بر اساس اصول راهبردی خود، مصمم به توسعه مؤثر و بهره‌برداری از آنها در راستای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه در افق چشم‌انداز است. با این حال، عملکرد دولت‌های هسته‌ای نشان می‌دهد که با تفسیر یک‌طرفه نظام عدم‌گسترش به‌عنوان بخشی از حقوق صلح یا در جهت ایجاد و حفظ صلح، کمر به انسداد حق بر توسعه بسته‌اند. نتایج این نوشتار در بخش بازنمایی رسانه‌ها و شبکه‌های خارجی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران نیز نشان می‌دهد که اکثر این رسانه‌ها، شبکه‌ها و اندیشکده‌های غربی به دنبال ارائه تصویری منفی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران به ویژه اشاره به «حق بر توسعه» هستند و این مساله را با گفتمان‌های خود تولید و بازتولید می‌کنند و در چارچوب چنین گفتمان‌هایی، با بازنمایی ایران‌هراسی و تهدید، در پی تغییر نتایج به نفع دولت‌های متبوع خود هستند. این در شرایطی

است که استفاده صلح‌آمیز ایران از فناوری هسته‌ای، مصداقی از «حق بر توسعه» چه از منظر حقوق بشری و چه از منظر حق توسعه کشورها می‌باشد.

پیشنهاد‌های رسانه‌ای و کاربردی

- تدوین راهبردهای فعال و گفتمان‌ساز در حوزه دیپلماسی رسانه‌ای، به منظور بازنمایی رفتارهای ضدایرانی و غیرحقوقی کشورهای غربی و آمریکا در مورد برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران
- اهمیت دارد با تبیین نحوه بازنمایی فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته ایران در رسانه‌های غربی، دلایل عدم توجه این رسانه‌ها به ارتباط «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای» با «حق بر توسعه» از زبان کارشناسان واکاوی گردد.
- با توجه به تبلیغات وسیع رسانه‌های غربی برای نظامی قلمداد کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و اینکه این نوع فعالیت‌ها در راستای حق توسعه کشورها نیست، اهمیت دارد رسانه‌های برون‌مرزی، برای صلح‌آمیز نشان‌دادن این فعالیت‌ها، بیش از پیش، در قالب‌های متنوع برنامه‌سازی کند.
- بیشتر رسانه‌های رقیب، حتی در جهان عرب که در مجاورت فرهنگی و جغرافیایی ایران هستند، تلاش می‌کنند فعالیت‌های هسته‌ای ایران را علیه منافع جهانی تهدیدآمیز نشان دهند تا با این شیوه توجه افکار عمومی جهانی را علیه ایران (ایران‌هراسی) جلب نمایند. بهتر است رسانه‌های برون‌مرزی بیش از پیش، موضوع زرادخانه‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی، فقدان نظارت بر فعالیت‌های این رژیم و کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای را به‌همراه یکجانبه‌گرایی آمریکا به‌خصوص در سطح بین‌المللی برجسته کنند.
- پیشنهاد می‌شود فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران از منظر «حق بر توسعه» از زبان حقوق‌دانان و صاحب‌نظران برجسته مطرح گردد.
- با توجه به اهمیت یافتن ارزش‌های بنیادین حقوق بشری، از آنجا که حق بر توسعه از جنبه حقوق بشری و حقوق همبستگی قابل توضیح است، حرکت به سوی تدوین و تصویب اسناد الزام‌آور بین‌المللی در این رابطه، ضروری است و اهمیت دارد رسانه‌های برون‌مرزی این موضوع را به یک مطالبه عمومی و جهانی تبدیل نمایند.





- تقویت تعامل سازنده با کشورهای در حال توسعه و افزایش سطح تعمیق روابط خارجی با این کشورها و سایر کشورهای توسعه یافته حائز اهمیت است. در این خصوص، استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی و سازوکارهایی چون جنبش عدم‌تعهد یا گروه ۷۷، از طریق رسانه‌های برون‌مرزی جهت استیفای حق مشروع و بین‌المللی ایران برای توسعه و کسب قابلیت‌ها و بسترهای توسعه یافتگی از جمله در حوزه علوم، دانش، اطلاعات و فناوری‌های هسته‌ای صلح‌آمیز امری ضروری خواهد بود.
- رسانه‌های برون‌مرزی می‌توانند هرچه بیشتر از طریق تجهیز عمومی بین‌المللی و استفاده از سازوکارهای حقوقی، به طرح موضوع غیرمشروع بودن فشارها و تحریم‌ها، نقض تعهدات بین‌المللی از سوی کشورهای چون آمریکا در خروج از برجام در نهادهایی چون دیوان بین‌المللی دادگستری و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به واسطه نقض حقوق همبستگی ناشی از حق بر توسعه به‌عنوان مصادیق مهم حقوق بشر به احقاق حق در جامعه بین‌المللی اقدام نمایند.
- پیشنهاد می‌شود در شبکه پرس‌تی‌وی، مستندی درباره دیدگاه کشورها به‌ویژه کشورهای عضو گروه نم در آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به ارتباط استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و «حق بر توسعه» تهیه گردد.
- دولت‌های در حال توسعه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران باید ضمن تداوم سیاست تأکید بر حق مسلم توسعه فناوری و دانش صلح‌آمیز در کلیه زمینه‌ها از جمله در عرصه هسته‌ای، با استفاده از جنبش نرم‌افزاری و از طریق رسانه‌های جمعی داخلی و بین‌المللی و تأسیس بلوک‌های رسانه‌ای، هر چه بیشتر افکار عمومی بین‌المللی را در این خصوص همراه سازند.

منابع و ماخذ

منابع فارسی

- انصاری، بهروز (۱۳۹۱)، «مبانی حقوق همبستگی»، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴، صص ۴۰-۲۱.
- ایزدی، فواد و سقایی‌ریا، حکیمه (۱۳۸۷)، «تحلیل گفتمان انتقادی روزنامه‌های برجسته آمریکا درباره انرژی هسته‌ای ایران»، ترجمه سید جمال‌الدین اکبرزاده، **نشریه رسانه**، شماره ۱۶، صص ۱۲۵-۱۰.

استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای از منظر حق بر توسعه برای جمهوری اسلامی ایران ... ۲۲۷

بابایی، مجتبی (۱۳۹۴)، «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حق غنی‌سازی ایران»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۹۲، صص ۵۲-۳۳.

بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۴)، **حقوق بین‌الملل عمومی**، (جزوه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی). حاجی‌یوسفی، امیرمحمد؛ غائبی، رضا (۱۳۹۶)، «مفهوم حق توسعه در روابط بین‌الملل از نگاه نظریه پسالستعماری»، **مجله سیاست جهانی**، دوره ششم، شماره ۴، صص ۴۰-۷.

پشمی، بهرام و بلوری، پیمان، سلیمی‌ترکمانی، حجت (۱۳۹۹)، «جایگاه حقوق بشر در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»، **فصلنامه مطالعات انرژی**، دوره ۶ شماره ۱، صص ۷۶-۵۹.

حسن‌بیگی، ابراهیم و حسینی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «تحکیم و تثبیت حق غنی‌سازی در جمهوری اسلامی ایران در پرتو حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۰۲-۷۵.

زنگی‌اهرمی، عهدیه و باقرزاده، احد، عزیزی‌مرادپور، حمید (۱۴۰۰)، «آثار تحریم‌های یکجانبه بر رعایت حقوق بشر با تأکید بر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران»، **فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی**، شماره ۴۳، صص ۶۸-۳۹.

ساعد، نادر (۱۳۸۳)، «توسعه دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای در اسناد و آموزه‌های حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۷۲-۴۵.

سلیمی‌ترکمانی، حجت (۱۳۹۷)، «حق توسعه به‌مثابه حقی بشری در گستره حقوق بین‌الملل انرژی»، **مطالعات حقوق انرژی**، دوره ۴، شماره ۲، صص ۴۲۶-۴۰۵.

سلطانی، علی‌اصغر و شاه‌قاسمی، احسان (۱۳۸۹)، «آیا این مرد به بمب اتم دست می‌یابد؛ نگاهی به بازتابی مناقشات اتمی ایران در مطبوعات آمریکا»، **مجله جهانی رسانه**، شماره ۱۰، صص ۱۴-۱.

سلیمان، زهره، گودرزی‌راد، رضا، بداغی، مریم، مکاری‌زاده، وهاب، شفیخ‌زاده، محمد علی (۱۴۰۰)، «ظرفیت‌های مدیریت مصرف انرژی در ایران در افق ۱۴۲۰: رویکرد مدل‌سازی جامع عرضه و تقاضای انرژی»، **نشریه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی**، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۸۵-۵۱.

شمس، محمدرضا (۱۳۸۵)، «بررسی گفتمان انتقادی مسئله هسته‌ای ایران در روزنامه‌های انگلیسی»، **رساله دکتری آموزش زبان انگلیسی**، دانشگاه اصفهان.

عبدلی، محمدعلی و دقار امیرمحمد (۱۳۸۱)، «انرژی، توسعه و محیط زیست»، **نشریه حقوق انرژی ایران**، سال دهم، شماره ۲۶، صص ۲۸-۱۹.





قاسمی، غلامعلی و مویدیان، امینه (۱۳۹۹)، «تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران از منظر حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت‌ها»، **فصلنامه تعالی حقوق**، شماره ۷، صص ۱۵۱-۱۱۳.

قرشی، سیدامیرحسین و صدیق‌زاده، اصغر (۱۳۹۴)، «انرژی گداحت هسته‌ای راهبردی اجتناب‌ناپذیر در افق چشم‌انداز انرژی کشور»، **فصلنامه راهبرد**، سال بیست و چهارم، شماره ۱، صص ۲۳۴-۲۰۵.

قائدی، حجت‌الله و صلاحی، سهراب، پروین، خیرالله (۱۴۰۰)، «ارزیابی سیاسی-حقوقی تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران»، **دو فصلنامه دانش سیاسی**، سال هفدهم، شماره ۲، صص ۵۴۶-۵۱۹.

گرچی، ابوالقاسم (۱۳۷۲)، «مشروعیت حق و حکم آن با تأکید بر حق معنوی»، **مجله حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۲۹، صص ۱۳۲-۱۲۱.

مولایی، یوسف (۱۳۸۱)، «حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر»، **مجله حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۵۶، صص ۸۳-۴۹.

مولایی، یوسف (۱۳۷۶)، «تحلیل حقوقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۳۷، صص ۸۲-۶۵.

منتظری‌مقدم، رضا و کوچ‌نژاد، عباس، رامین‌نیا، مژگان (۱۳۹۸)، «ابعاد حقوقی انتقال فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز در حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی**، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۲۱۴-۱۷۹.

کیانی، احسان (۱۳۹۹)، «توصیه‌های «مؤسسه واشنگتن» برای مذاکره با ایران»، قابل دسترسی در: <https://www.washingtoninstitute.org/media/4143?disposition=inline>

منابع انگلیسی

- Aliou, Maiga (2007), "Energy and Sustainable Development in Africa", **Organization for Economic Co-Operation and Development**, Vol. 32. No. 3, pp. 243-271.
- Bradbrook, Adrian. J (2006), "Access to Energy Services in a Human Rights Framework", **Human Rights Quarterly**; Vol. 28, No. 2, pp. 1241-1265.
- Blake, Aaron (2013), "Kerry on Iran: We do Not Recognize a Right to Enrich", **Washington Post**, 24 November.
- Boyd-Barrett, Oliver (2014), **Media Imperialism**, New York: Sage Publication.
- Britannica (2017), "Foreign Affairs Journal," Britannica, Available at <https://www.britannica.com/topic/foreign-Affairs-Journal>, Access:10/11/2017.
- Cort, Hugh (2011), **The American Hiroshima**, New York: iUniverse.



- Dubowitz, Mark (September 26, 2017). **How Trump Can Improve the Iran Deal**
At: <https://www.fdd.org/analysis/2017/09/26/how-trump-can-improve-the-iran-deal/>.
- Daniel Joyner, (2012), “what if Iran withdrawal. From the Nuclear Non-proliferation Treaty?: can they Do that?” **European Society of International Law Reflections**, Volume 1, Issue 5, pp. 2-23.
- Elbaredei, Mohammed; Nwogugu, Edwin; and John Rames (1995), “International Law and Nuclear: Overview of Legal Framework”, **IAEA Bulletin**, Vol. 3, pp. 10-24.
- Einhorn, Robert and Richard Nephew (2019), **Constraining Iran’s Future Nuclear Capabilities: Foreign Policy at Brookings**, Available at: https://www.brookings.edu/wpcontent/uploads/2019/03/FP_20190321_Nuclear_capabilities_WEB.pdf.
- Foreign Affairs** (2015), “**Should Congress Approve the Iran Deal**,” Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2015-09-07/should-congress-approve-iran-deal>, Access: 11/11/2017.
- Frankovits, Andre & Patric K. Earle (1998), **The Rights Way to Development: Manual for Human Rights Approach to Development Assistance**, Human Rights Council of Australia.
- Freilich, Chuck (2015), “**The Middle East after the Iran Nuclear Deal**,” Council Foreign Relation, Available at: <https://www.cfr.org/middle-east-and-north-africa/middle-east-after-iran-nuclear-deal/p36963>.
- Gantz, Benny (2022), “**Iran Weeks away from Acquiring Materials for First Nuclear Weapon**”, Available at: [https:// foxnews.com/politics/i/pulished](https://foxnews.com/politics/i/pulished) may 17 2022 8:09am EDT.
- Gillon, Carmi (2017), “The Iran Nuclear Deal Has Been a Blessing for Israel,” **Foreign Policy**, Available at: [https:// foreignpolicy.com/2017/07/13/the-iran-nuclear-deal-has-been-a-blessing-for-israel-jcpoa/](https://foreignpolicy.com/2017/07/13/the-iran-nuclear-deal-has-been-a-blessing-for-israel-jcpoa/), Access:10/11/2017.
- Livingstone, Steven (1997), **Clarifying The CNN Effect: An Examination of Media Effects According to Type of Military Intervention**, Research Paper, Cambridge: Harvard University.
- M cCormack, James (2016), **Unexpected Treason: Barack Hussein Obama**, New York: BookBaby.
- Miskimmon, Alister & Ben O’Loughlin & Laura Roselle (2014), **Strategic Narratives: Communication Power and the New World Order**. New York: Poutledge
- Miller, Aron David, Sokolsky, Richard (2016), **Moving Forward on Iran, A Policy for the Next U.S Administration**.
<https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2016-11-07/moving-forward-iran>.
- Mohammed, Bedjoui (1991), “**Le droit au développement**,” Bilan et Perspective, Tome 2, Paris, Editions, A Pe done.
- Marks, Stephen (2004), The Human Rights to Development: Between Rhetoric and Reality, **Harvard Human Rights Journal**, Vol. 17, Spring, pp. 139-168.

- Ngosso, Thierry (2013), **The Right to Development of Developing Countries: An Argument Against Environmental Protection**, Catholic University of Louvain, Public Reason 5 (2): 3-20.
- Neame, Rebecca, Beachen (2010), “**Strengthening the Nuclear Non -Proliferation Regime in the 21st Century: Multilateral Approaches to the Nuclear Fuel Cycle,**” Available at: <http://ir. Canterbury. Ac. Nz /handle/10092/4274>.
- NTI (2011), “Iran Nuclear Chronology,” **Nuclear Threat Initiative**, Available at: https://www.nti.org/media/pdfs/iran_nuclear.pdf?_=1316542527.Access:9/11.20 17.
- Oduwole, Olajumoke O (2014), **International Law and The Right to Development: A Pragmatic Approach for Africa**, International Institute of Social Studies, The Hague, The Netherlands.
- Okafor, Obiora Chneda (1995), **The Status and Effect of the Right to Development, in Contemporary International Law: Towards a South North** “Entente, Office of High Commissioner for Human Rights.
- Pletka, Danielle. (2020A), **Could we Lose the Progress we ve made in the Middle East?** Retrieved from <https://www.aei.org/op-eds/could-we-lose-the-progress-were-made-in-the-middle-east/>
- Sengupta, Arjun and Archana Negi, (eds.) (2005), **Reflections on the Right to Development**, New Delhi: Sage Publication.
- Sengupta, Arjun (2000), **The Right to Development as a Human Right**, Center for Health and Human Rights.
- Struyk, Ryan (2017), “CNN pol: Two-thirds want to stay in Iran nuclear deal,” **CNN**, Available at: <https://edition.cnn.com/2017/10/20/politics/poll-trump-iran-north korea/index.html>,Access:2/11/2017.
- Tully, Stephen R. (2006), “The Contribution of Human Rights to Universal Energy Access”, **Northwestern Journal of International Human Rights**, Vol. 4, Issue 3, pp. 533-552.
- Walde, T (2002), “Access to Energy Networks: A Precondition for Cross-Border Energy and Energy Services Trade,” **CEPMLP Internet Journal and** (with A. Gunst) Now Published in. 36. J.World Trade.

